

نگاره

چه کسی صلاحیت تعیین

«چهره‌های ماندگار هنرهای تجسمی» را دارد؟

گمانه‌زنی درباره چهره‌های ماندگار



آر ش نصیری

● دوم همراه این خبر روی سایت خانه هنرمندان ایران قرار گرفت و خبرگزاری‌ها هم آن را نقل کردند: «دومین نمایشگاه آثار چهره‌های ماندگار ایران با عنوان «قاب تجلی» جمعه ششم مهر در خانه هنرمندان ایران افتتاح می‌شود» که روز جمعه هم این نمایشگاه افتتاح شد. در همان خبر مشخص شد که محمود اسعدی دبیر این نمایشگاه است. او همان‌جا درباره برگزاری نمایشگاه «قاب تجلی» گفت: «هدف از برگزاری این نمایشگاه تداوم حرکت و جریان اصل و اساسی انتخاب چهره ماندگار در کشور است. در دو دهه اخیر فرصتی فراهم شد تا بهترین شخصیت‌های صاحب‌سبک و هنرهای تجسمی به‌عنوان چهره ماندگار معرفی شوند و برپایی این نمایشگاه فرصت مغتنمی است تا آثار این هنرمندان برحسبه به نمایش عموم گذاشته شود تا فرصت آشنایی همه اقشار جامعه، به‌ویژه جوانان با آثار آنها فراهم شود». تا اینجا خوب است و معلوم است که این کار قبل و بعد هم برگزار شده و خواهد شد و لابد در این سلسله‌نمایشگاه‌ها و به تالاب، بزرگان و ماندگاران هنرهای تجسمی معرفی می‌شوند، اما هنوز عنوان کلی و پوستر نمایشگاه جای سؤال داشت: اینکه چرا نوشته شده: «چهره‌های ماندگار» و نوشته است: «جمعی از چهره‌های ماندگار». حتی می‌شد جلوی روتیتز نوشته شود: «دومین» تا مشخص شود اولین داشته و سومین هم خواهد داشت. اینها راه‌هایی بود که می‌شد نشان داد از نظر برگزارکنندگان اینها جمعی از ماندگاران هنرهای تجسمی‌اند نه همه آنها. این موضوع رعایت نشد تا این سؤال به ذهن بیاید که چه مقام یا گروهی از مقامات این صلاحیت را داشته‌اند که جمع حاضر را به‌عنوان چهره‌های ماندگار هنرهای تجسمی بدانند و جمع دیگری از بزرگان را نه. خود آقای اسعدی در همان خبر گفته که این نمایشگاه از سوی ماهنامه چهره‌های ماندگار و خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود؛ یعنی این ماهنامه و خانه هنرمندان تعیین کرده‌اند که استادان محمود فرشچیان، محمد احصابی، غلامحسین امیرخانی، نصرالله افجه‌ای، جلیل رسولی، بدالله کابلی، کیخسرو خورش، محمدحسین حلیمی، محمد سلحشور، عباس اخویسن، علی‌اکبر صادقی، حبیب‌الله آیت‌اللهی، عبدالصمد حاج‌صمدی، امیراحمد فلسفی، علی شیرازی، اسرافیل شیرچی، جواد بختیاری و عین‌الله صادق‌زاده چهره‌های ماندگار هنر هستند و آنهایی که در این فهرست نیستند از قبیل استادان ناصر عصار، حسین زنده‌رودی و منوچهر یکتایی هم نه، یعنی ما تا به حال حتی یک بانوی هنرمند هنرهای تجسمی نداشته‌ایم که شایسته نشستن در این فهرست مردسالارانه باشد. اگر بخواهیم مثبت نگاه کنیم باید فکر کنیم که لابد آنها به این بزرگان یا آثارشان دسترسی نداشته‌اند؛ اما این گمانه هم رد می‌شود، چون بانوی هنر نقاشی ایران «ایران درودی» است و به‌تازگی از بزرگداشت و رونمایی چاپ بیستم اتوبیوگرافی‌اش (در فاصله دو نقطه) در مشهد برگشته است. هنرمندان دیگری هم در این فهرست حضور ندارند که حتی اگر در قید حیات نیستند یا آثارشان در دسترس نیست، می‌شد وقتی قید «چهره‌های ماندگار هنرهای تجسمی» مطرح می‌شود، از آنان نام برد. بنابراین به نظر می‌رسد برگزارکنندگان –سپوهی یا خدای ناکرده عمدی– قصد و غرضی در این نام‌گذاری نداشته‌اند. اینکه یک نهاد بخش خصوصی بخواهد انتخابی داشته باشد و برای این انتخاب با منافع اسم بزرگ و دهان‌پرکن بگذارد عجیب نیست؛ عجیب این است که یک نهاد رسمی مثل خانه هنرمندان چرا بر این انتخاب صحه گذاشته و به‌اصطلاح پشت آن درآمده است. در این اوضاع و احوال و با توجه به اتفاقاتی که در حوزه هنرهای تجسمی می‌افتد، آدم حق دارد به همه‌چیز شک کند.

چارچی

نمایش صوتی کوری

● **گروه هنر:** نمایش صوتی کوری با اقتباس از کتاب کوری، نوشته ژوزه ساراماگو، با ترجمه و برگردان به نمایش کاملیا کریمی، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فریبرز صفی در تاریخ ۲۰ مهرماه سال جاری توسط مؤسسه فرهنگی هنری جام سبز در تمامی فروشگاه‌های اینترنتی محصولات فرهنگی، هنری منتشر خواهد شد. در این نمایش هنرمندانی مانند محمد مقدسی، یحیی گلستانی، بهاره جلودارزاده، کاملیا کریمی، حمید طاهری، محمدرضا لاگچی، رهی نادری، طیبه رضایی، احمد ذبیحی، نیلوفر رحمانی، فرزاد ایروانی، مجتبی تقوی، زهرا پورعلی و محمدحسین آثی‌عشری هنرنمایی کرده‌اند و همچنین، احمد گنجی، از هنرمندان رادیو نمایش، در تیتراژ این مجموعه به هنرنمایی پرداخته است. جشن امضا و دیدار با عوامل این مجموعه در حضور جمعی از هنرمندان و اهالی فرهنگ، ۳۰ مهر در شهر کتاب فرشته (خیابان شریعتی، پایین‌تر از پل صدر، پلاک ۱۶۷۱) برگزار می‌شود.

مراسم یادبود زنده‌یاد بدالله صمدی نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده سینما و تلویزیون، عصر دوشنبه نهم مهرماه در مسجد پیامبر اعظم (ص) برگزار شد.

در ابتدای این مراسم مسعود جعفری جوزانی گفت: «او سلحشور عاشق‌پسندی از دیار آذربایجان بود. کسی بود که با «شوق پرواز»ش پا به میدان گذاشت؛ به امید آنکه افق‌های تازه‌ای را نشان دهد. او می‌دانست هستی جامعه، خانواده است و همه عشقش را به آنها می‌داد. به‌مرور موی سیاهش سپید شد و فهمید حق نمایش فیلمش را گرفته‌اند و سینما از او دریغ شد و حالا برای او تسلیت می‌فرستند. به او می‌خندیدند که فیلمت فروش نمی‌کند. اینها سربازان فرهنگی این کشور بودند. او پیش من آمد درحالی‌که از عصبانیت دستانش می‌لرزید و این اتفاق همه زندگی من را زیر سؤال برد که پاداش این همه فعالیت این است؟ که یک آدم کم‌سواد در جایی قرار می‌گیرد که ما باید پیش او برویم و صمدی را به او معرفی کنیم؟».

فاطمه معتمدآریا نیز در صحبت‌های کوتاهی گفت: «او دست بخشنده، آفریننده، خادگونه و مهربانی داشت؛ دستی که دست همکارش را می‌گرفت همان‌طور که دیگران دست او را می‌گرفتند. در فضایی که فیلم‌سازی سخت بود، نسل آقای صمدی فیلم‌هایی ساخت که تاریخ سینمای امروز ما را ساخت.

تک‌تک همکاران من دارند مثل برگ خزان می‌روند. این عاقبت

مطلق هرکسی است اما چیزی که دل ما را به درد آورده است،

مرگ زودهنگام آنهاست که کمال‌طلب و ایده‌آل‌گرا بودند و بهترین

کارها را ساختند. زمانی که بستر کار برایشان سخت شد، یکی‌یکی

در خود فرو رفتند. ما از مرگ زودهنگام و دردناک و سختی کاری

که بر ما سیری شده است، می‌نالیم. او به‌سختی وارد سینما شد

و در آن کار کرد و انتظار داشت از آن بهره‌ای ببرند اما به‌سختی این

اتفاق افتاد. سینمای ما جایگاه بزرگ و محکمی دارد که نشانه‌اش

کسانی هستند که امروز اینجا جمع شده‌اند و در خوشی و ناخوشی

در کنار هم هستند».

محمدرضا علیقلی نیز از دیگر سخنرانان مراسم بود و در صحبت‌های کوتاهی گفت: «من برای اولین‌بار در فیلم «معجزه خنده» در خدمت او بودم و به‌غیر از ساخت موسیقی این فیلم، اتفاقاتی بین ما افتاد که باید برای همیشه بین ما باقی بماند. سپس در سریال «شوق پرواز» به مدت یک‌سال‌واندی، هفته‌ای دو، سه روز با هم بودیم. در جریان ساخت این سریال اتفاق‌های زیادی رخ داد. اواخر سریال بودیم که من با یک بازیگر

در مراسم یادبود زنده‌یاد صمدی مطرح شد:

معتمد آریا: ما از مرگ زودهنگام می‌نالیم



عکس: هنر آتلاین

بیایم. ایمان داشتیم که خوب می‌شوی و برمی‌گردی و مثل همیشه آرام، متین و خندان در کنارمان قرار می‌گیری. مرا نادرسلطان خطاب می‌کردی. چقدر هنوز هدف داشتی که انجام ندادی و رفتی. هر وقت برای از شهریار شعری می‌خواندم، لبخند می‌زدی و با من تکرار می‌کردی».

مسعود جعفری جوزانی، همایون اسعدیان، منوچهر شاهشواری، ابراهیم حاتم‌کیا، عزت‌الله ضرعامی، محمدرضا جعفری جلوه، کامران ملکی، فرهاد توحیدی، علیرضا رئیسیان، حسین یاری، ابوالحسن داوودی، هارون ینایایی، مجید صالحی، رضا بنفشه‌خواه، بهادر ملکی، مسعود رایگان، شهرام حقیقت‌دوست، کوروش تهامی، فرشته طانزیور، حسین ترابی، فخرالدین صدیق‌شریف، فاطمه معتمدآریا، امیر آبثانی، احمد امینی، ستاره اسکندری، محمدعلی نجفی، حسین فرحبخش، علیرضا شجاع‌نوری، محسن علی‌اکبری و مسئولان و فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران و پرسنل نیروی هوایی در این مراسم حضور داشتند.

نیکول کیدمن جایزه «دستآورد هالیوود» را دریافت می‌کند

بعدی‌اش، «پسر پاک شد»، در کنار راسل کرو، جوئل اچرتون و لوکاس هجز دیده می‌شود. این فیلم دوم نوامبر امسال به سینماها می‌آید. سال گذشته جایزه دستآورد هالیوود به گری الدمن رسید؛ رابرت دنیرو و ادی مورفی از دیگر برندگان پیشین این جایزه هستند. بیست‌ودومین دوره جوایز فیلم هالیوود چهارم نوامبر در هتل بورلی هیلتون در بورلی هیلز کالیفرنیا برگزار خواهد شد.

کیدمن همچنین در «حفره خرگوش» (۲۰۱۰)، «پسر کاغذی» (۲۰۱۲) و «شیر» (۲۰۱۶) هم بازی‌های قابل اعتنایی داشته و «مترجم» آخرین فیلم بلند سیدنی پولاک فقید و محصول ۲۰۰۶، بازسازی «تجاهم رابیندگان جسم» (۲۰۰۷)، «استرلیا» فیلم دیگری از باز لورمن (۲۰۰۸)، «گریس موناکو» فیلم زندگی نامه‌ای گریس کلی مشهور (۲۰۱۴)، «راز در چشم‌هایشان» (۲۰۱۵)، «نایغه» (۲۰۱۶) و «گرفتار شده» (۲۰۱۷) بازی کرده است.



لانتیموس، «فریب‌خورده» به کارگردانی سوفیا کاپولا و «چگونه با دختراها در مهمانی‌ها گپ بزнім» ساخته کامرون میچل نام داشتند. کیدمن در فیلم

درباره قیمت‌گذاری بلیت تئاتر

مقصر تالار وحدت است

شود و ناگهان مردم با قیمت‌های غیرعادی مواجه نشوند.
اینکه حسین پارسایی بخواهد یک نمایش موزیکال را که حتماً برآورد بودجه کلانی را نیز دربر خواهد گرفت، در تالار یک هتل خصوصی با بلیت گران عرضه کند، دیگر جای چندانوجون باقی نمی‌گذارد. این دیگر بخشی کاملاً خصوصی است و هزینه‌های خود را دارد، اما در یک تالار شناخته‌شده که معرف فرهنگ فاخر و ملی ماست، نمی‌توان بی‌گدار به آب زد؛ یعنی نمی‌شود همین‌طوری هر قیمتی را برای صندلی‌هایش در نظر گرفت. مطمئناً از کف تا سقف این قیمت‌ها باید در کل برخوردار از شاییت یک تالار مهم فرهنگی باشد. در اینجا قرار نیست مردم احساس تفاخر ملی را آغشته به تفرع کنند و به‌ازای بلیت‌های گران خود بخواهند پز بدهند و تفرعنمشی در رفت‌وآمدهای این تالار رسمی کشورمان حاکم شود. به‌هرروی می‌دانیم که فضای فرهنگی کشور نیازمند توجه ما به آن چیزی است که در تعریف‌های درست مالی و اقتصادی شاینت خود را حفظ می‌کند و می‌دانیم که حاکمیت فضای مادی خود یک سد بزرگ در استقرار داشته‌های فرهنگی خواهد بود. این قیمت بالا نه در شأن کارگردانان و



عکس: هنر آتلاین

روزنه آبی

به مناسبت هفتادونهمین زادروز استاداکبر ادی

مرد نکونام تئاتر ایران نمیرد هرگز

● **گروه هنر:** به مناسبت دهم مهر، هفتادونهمین زادروز استاد اکبر رادی، هیئت مدیره بنیاد رادی پیامی را منتشر کرد و باید بدانیم که از اواخر دهه ۳۰ که او نمایش‌نامه روزنه آبی را نوشت، نوع برخوردش با جلال آل احمد، احمد شاملو، شاهین سرکیسیان و در نهایت مواجهه با محمدعلی جمالزاده نشان می‌دهد که او در مسیری قرار گرفت که محصلش نمایش‌نامه ماندگار ایرانی خواهد شد.

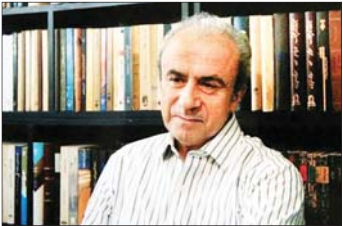
پیام زادروز

هیئت‌مدیره بنیاد رادی، حمید بانو عنقا، دکتر فریدخت زاهدی، آرش رادی، هادی مرزبان، فرامرز طالبی، دکتر بهروز محمودی‌بختیاری، شهرام کریمی و بهژاد صدیقی در این پیام آورده‌اند: «دهم مهر سال ۱۳۱۸ اکبر رادی رشت را، ایران را و جهان نمایش‌نامه‌نویسی فارسی را به ظهور خود آراست. ۶۸ سال با نجابت و خلاقیت زیست و معصومانه و محترمانه هم آسمانی شد. اکنون ۱۱ سال است که ایران، اکبر رادی ندارد. ۱۱ سال است که ادبیات نمایشی فارسی، یکی از قلل شامخ و استوار نویسندگی خود را در آسمان‌ها می‌جوید و ۱۱ سال است که دلنگنی حضورش در فضاهای هنری کشور بازتاب دارد. باوجوداین، بیش از نیم‌نمر است که «حضور» پرنگ او را احساس می‌کنیم و با دو دیده دیدیم که او «مرد نکونام» تئاتر ایران است که به اعتبار همین نکونامی و اجتهاد حضرت سعدی، «نمیرد هرگز».

امتداد حیات او را ازاین‌پس در خوانش و اجرای آثارش خواهیم دید و زادروز معنوی او را همواره پاس خواهیم داشت. تولد او، تولد نجابت و مهربانی است؛ آنچه جامعه ما به آن سخت محتاج است. درود بر او که آمدنش به تئاتر ایران بسیار افزود و چون آوایی را رفتن نیست.

روزنه آبی

روزنه آبی یک آغاز پیچیده است؛ اما سردرگم نیست. برای اکبر رادی که علاوه بر آموزش‌کاری می‌خواهد یک نمایش‌نامه‌نویس مطرح بشود و بیشتر از هر چیزی بر رئالیسم ایرانی‌اش تأکید کند.



از سال ۳۹ زمان نگارش تا آبان ۴۴، پنج سال طول کشید تا «روزنه آبی» را به صحنه بیاورند، حتی شاهین سرکیسیان، کارگردان، هم در این امر ناکام ماند. در شب‌های مانده به اجرا، این کارگردان ارمنی فوت کرد و بعد از آرنی آوانسیسیان، طراح صحنه و کارگردان و از شاگردان سرکیسیان درصدد برآمد تا آنجا که استادش میزانشن داده است، نمایش را به صحنه ببرد و مابقی را به صورت روخوانی برای ادای احترام به کارگردان اجرا کند. جلال آل‌احمد با این نمایش‌نامه خیلی تند برخورد کرد و بعد با انتشار «افول»، آل‌احمد هم ایمان آورد که در نمایش‌نامه‌نویسی کشور ما باید اتفاق تازه‌ای روی دهد و دراین‌باره نوشت: «شما که اکبر رادی نویسنده «روزنه آبی» (من یقین دارم و حاضرم دستم را بدهم ببرند و شرط ببندم که مولی‌پر هرگز چنین عنوانی به نمایش‌نامه خود نمی‌داد) و «افول» هستند، شخصی باشخصیت و بافکر و جوشش هستید و چشم‌بیننده و قلم‌تند و صریح دارید و بسیاری از چیزهایی را که بسیاری از مردم نمی‌بینند یا درست نمی‌بینند؛ ولی باید سعی کنید که «ساده‌تر» باشید».محمدعلی جمالزاده در سال ۱۳۴۳ با ارسال نامه‌ای این سخنان را به اکبر رادی که در ابتدای نوشتن است، یادآور می‌شود. او در این نامه بر نکات ارزنده و انتقادی تأکید می‌کند که پس‌ازآن در آثار رادی بیشتر لحاظ شده است. جمالزاده بر ساده‌نوشتن تأکید می‌کند که شاید تا امروز هم کمتر از سوی نویسندگان ما مراعات شده و همین خود یک دلیل عمده بر فاصله‌افتادن بین مردم و نویسندگان است. عکبر رادی درباره اولین نمایش‌نامه‌اش می‌نویسد: «زمستان ۱۳۴۰ من نمایش‌نامه «روزنه آبی» را برای آخرین مرتبه پاکتویس کرده بودم و مدتی بود در هوای انتشار آن در راسته «شاه‌آباد» پرسه می‌زدم که بورس ناشران «فریه» تهران بود و با تمام قرعهی نمی‌دانستند نمایش‌نامه یک شک عمده ادبیات است می‌تواند و باید چاپ هم بشود».

او می‌افزاید: «من «روزنه آبی» را به شاملو دادم که نسخه پیشین آن را در سال ۳۹ دیده بود و من را به شاهین سرکیسیان هم معرفی کرده بود که در معنی معاصر کلمه رؤیای تئاتر ملی در سر پخته می‌کرد و دربه‌در به دنبال یک نمایش‌نامه مایه‌دار ایرانی می‌گشت. شاملو این بار هم دست من را گرفت و «روزنه آبی» را به آل‌احمد سپرد؛ اما این تأکید که به قصد قربت بخواند و چنانچه مناسب دید، در کتاب ماه چاپش کند».

«روزنه آبی» با تمام قوت و ضعف‌هایش در مسیر پرتلاطمی قرار گرفت و حتی درنهایت با کارگردانی شاهین سرکیسیان در انجمن ایران– آمریکا به نمایش درآمد که مرگ سرکیسیان هم حدوداً با این اجرا اتفاق افتاد. آرنی آوانسیسیان آن را به سرنجام رسانید.

با این اجرا، باز هم جلال آل‌احمد برافروخت که ای کاش این متن را هرگز اجرا نمی‌کرد و به توصیه‌هایش برای اصلاح برخی از موارد «روزنه آبی» گوش می‌داد و کله‌شکی نمی‌کرد.